



تضمین موثر حقوق سیاسی ملت در بستر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محمد مهدی ابراهیمی، محمد بهادری جهرمی

چکیده

سازوکارهای مختلف به منظور شناسایی و تضمین حقوق شهروندی بهره‌برداری شود. در دیدگاه اسلامی، بحث درباره حق و ذی‌حق بدون تعیین تکلیف برای مخاطبان آن، امری انتزاعی است. به اعتقاد برخی اندیشمندان اسلامی، حق و تکلیف جدایی‌ناپذیرند و تعیین تکلیف برای طرف مقابل ذی‌حق، به نوعی تضمین برای اجرایی و عملیاتی کردن حقوق شهروندی محسوب می‌شود. به همین دلیل، باید تدابیری برای تضمین انجام تعهدات و تکالیف از سوی مکلفین در نظر گرفته شود. با توجه به این‌که حقوق سیاسی برای شهروندان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است در این نوشته تلاش شده است. مبانی، ویژگی‌ها و ساختارهای لازم برای «تضمین مؤثر» حقوق سیاسی شهروندان نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله به تحلیل تضمین‌های قضائی حقوق سیاسی شهروندان می‌پردازد و سؤال اصلی آن این است که چه سازوکارهایی می‌توان برای تضمین این حقوق در نظام حقوقی جمهوری اسلامی اصلاح یا ایجاد کرد؟ فرضیه این تحقیق بر این اساس است که ساختارهای موجود دارای ظرفیت‌هایی برای احقاق حقوق سیاسی شهروندان هستند، اما همچنین خلأهایی وجود دارد که می‌توان برای جبران آن‌ها پیشنهادات ساختاری ارائه داد. در بسیاری از مطالعات انجام شده در زمینه حقوق سیاسی، بیشتر به شناسایی این حقوق پرداخته شده و به سازوکارهای عملیاتی و امکان رسیدگی قضائی به نقض این حقوق کمتر توجه شده است. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، ابتدا مبانی و مؤلفه‌های تضمین مؤثر حقوق سیاسی

حقوق سیاسی ملت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده و این شناسایی نیازمند ایجاد سازوکارهایی برای تحقق آن است. در ساختار قضائی جمهوری اسلامی ایران، تحقق و تضمین حقوق سیاسی شهروندان می‌تواند از دو رویکرد بررسی شود: اول، بهره‌برداری و اصلاح ظرفیت‌های موجود مانند محاکم کیفری و دیوان عدالت اداری و دوم، ایجاد ساختار جدیدی مانند «نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی» یا «دیوان عالی حقوق بشر و شهروندی». تحقیقات در زمینه حقوق شهروندی بیشتر به شناسایی این حقوق پرداخته‌اند و کمتر به تضمین‌های ساختاری توجه شده است، به ویژه به دلیل بین‌رشته‌ای بودن موضوع (حقوق بین‌الملل و حقوق عمومی). در این تحقیق، ابتدا به مبانی تضمین مؤثر پرداخته شده، سپس ظرفیت‌های ساختاری موجود بررسی و در نهایت پیشنهادهایی برای اصلاح ساختارهای موجود یا ایجاد نهادهای نوین ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حقوق سیاسی ملت، حمایت قضائی، تضمین مؤثر، دیوان عالی حقوق شهروندی، نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی.

مقدمه

از منظر حقوقی، قانون به‌عنوان بهترین ابزار برای ایجاد نظم عادلانه شناخته می‌شود و قوانین، چه اساسی و چه عادی، بهترین راه برای تحقق و حمایت از حقوق سیاسی به شمار می‌آیند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین مرتبط، تلاش شده است تا از

شکنجه، تعدیات مالی مأموران و چند جرم دیگر هستند (جنگجوی، 1396، ص 60). به همین دلیل، در هر موضوعی که قانون‌گذار برای تضمین حقوق آزادی‌های فردی (مانند هتک حرمت منازل) حکم خاصی صادر کرده، این حکم باید به‌طور الزامی اجرا شود. اما در خصوص سایر حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی (مثل حق تجمع و راهپیمایی یا عضویت در احزاب)، ماده 570 قانون مجازات اسلامی قابلیت اجرایی دارد (جنگجو، 6931، ص 60). دادگستری و محاکم قضائی که طبق اصل ۹۵۱ قانون اساسی ایران مرجع شکایت‌های عمومی مردم هستند، بر اساس این اصل قابلیت بررسی و مجازات نقض‌کنندگان حقوق سیاسی شهروندان را دارند. این نهادها می‌توانند در مرحله اول رسیدگی قضائی، تضمین‌های مربوط حقوق مدنی و سیاسی را اجرایی کنند. با این حال، بررسی تمامی آراء صادره از محاکم عمومی امکان‌پذیر نیست. اما با مرور مجموعه آراء موجود در درگاه پژوهشگاه قوه قضائیه، مشخص شده که این ماده قانونی به ندرت مورد استناد قرار گرفته است (شیرزاد، 1395، ص 72). به‌طور خاص، در میان ۹۴۳۰۱ رأی صادره از محاکم کیفری دو، که مسئول رسیدگی به شکایات افراد هستند، حتی یک بار هم به این ماده قانونی اشاره نشده است. همچنین مراجعه به دادسرای کارکنان دولت و بررسی آراء صادره در این زمینه نیز نتیجه‌ای نداشته و دسترسی به تمامی آراء محاکم کیفری دو جز از طریق درگاه مذکور ممکن نیست.

تضمین ساختاری

علاوه بر محاکم عمومی، برخی ساختارها به‌طور خاص برای حمایت از حقوق شهروندی و دفاع از مردم در برابر دولت تأسیس شده‌اند، که یکی از آن‌ها دیوان عدالت اداری است. بنابراین، قابلیت این دیوان در رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق سیاسی شهروندان قابل توجه است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳۷۱ به این موضوع اشاره می‌کند که به‌منظور رسیدگی به

شهروندان مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس راهکارها و سازوکارهای تحقق آن‌ها از لحاظ ظرفیت‌های موجود و خلأهای ساختاری تحلیل می‌شود.

بررسی تضمین‌های قضائی در حمایت از حقوق سیاسی شهروندان در نظام حقوقی ایران

شناسایی حقوق سیاسی شهروندان در قوانین اساسی و عادی، گام مهمی در نظام حقوقی هر کشور است. جبران خسارت، مجازات ناقضین، و الزام به جبران خسارت برای افراد، از جمله مواردی هستند که بیشتر از طریق قضائی قابل پیگیری‌اند. به همین دلیل، در تفاسیر کمیته حقوق بشر به اهمیت دسترسی عمومی افرادی که حقوق سیاسی‌شان نقض شده، به مراجع برای اعلام و شکایت تأکید شده است. این موضوع ضرورت بالایی دارد. امکان بررسی شکایت‌های قضائی در مورد نقض حقوق سیاسی در نظام حقوقی ایران نیز در بخش‌های بعدی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

تضمین ماهوی در قوانین موضوعه

از نظر ظرفیت قانونی برای استناد در زمینه حقوق و آزادی‌های سیاسی، ماده 570 قانون مجازات اسلامی با اصلاحیه 11/01/18 وجود دارد که نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه محاکم عمومی برای مجازات نقض‌کنندگان حقوق و آزادی‌های سیاسی است. این ماده تصریح می‌کند: «هر یک از مقام‌ها و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که به‌طور غیرقانونی آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند یا آن‌ها را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نمایند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت از مشاغل حکومتی به مدت یک تا پنج سال، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.» در نظام حقوق کیفری ایران، برای برخی از حقوق شهروندی، ضمانت‌اجرای خاص کیفری تعیین شده است. این موارد شامل بازداشت غیرقانونی، هتک حرمت منازل، هتک حرمت مراسلات و مخابرات، اخذ اقرار تحت

است به عنوان نهاد دادخواهی برای تضمین اجرای حقوق مدنی و سیاسی عمل کند. این در حالی است که دیوان در تفسیر قانون، به طور معمول از تأکید بر ماهیت و عبارات حقوق بشری خودداری کرده که این رویه جای تأمل دارد. به نظر می‌رسد دیوان عدالت اداری می‌تواند به طور مؤثرتری این وظیفه را بر عهده بگیرد، اما اختیارات پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی به این نهاد این امکان را می‌دهد که به عنوان مرجعی برای رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق سیاسی شهروندان، مورد توجه بیشتری قرار گیرد. (نیاورانی و پیرزاده، 1395، ص. 200).

3. ایجاد ساختار جدید جهت تضمین مؤثر حقوق سیاسی

علاوه بر ساختارهای فعلی در نظام حقوقی، می‌توان دو نهاد را برای تقویت موضوع رسیدگی قضائی به نقض حقوق سیاسی شهروندان در نظر گرفت که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت: 1- نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی 2- ایجاد ساختار جدید در تشکیلات قضائی تحت عنوان دیوان عالی حقوق شهروندی.

1-3. ضرورت تشکیل نهاد ملی حقوق بشر در سطح ملی با ابتکار قوه قضائیه

پیشینه تأسیس نهاد ملی حقوق بشر به سال 1964 و دومین نشست شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برمی‌گردد. در سال 1991، کنفرانس با عنوان "نهادهای ملی حفاظت و ارتقای حقوق بشر" در پاریس برگزار شد که نتیجه آن توصیه‌ها و اصولی به نام اصول پاریس شناخته شد (Lindsnaes, 2001, P. 10). این اصول در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین 1993 مورد توجه قرار گرفت و نقش مؤثر آن‌ها در ماده 13 برنامه عمل وین تأکید شد. بر اساس این ماده، کشورها می‌توانند با تأسیس نهادهای ملی حقوق بشری، بهترین روش‌ها را مطابق با فرهنگ و سنت‌های جوامع خود برای حمایت و ارتقای حقوق بشر به

شکایات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران و نهادهای دولتی، دیوانی تحت عنوان دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌شود. به عبارت دیگر، دادگاه‌های عمومی مرجع رسیدگی به شکایات عمومی هستند، در حالی که دیوان عدالت اداری مرجع خاصی است که به نوع خاصی از شکایات رسیدگی می‌کند. بر این اساس، دیوان عدالت اداری یک مرجع قضائی غیراداری و تخصصی است که یکی از وظایف مهم آن، تضمین انطباق مقررات دولتی با هنجارهای برتر نظام حقوقی ایران، به‌ویژه قانون اساسی، می‌باشد (انصاری، 1397، ص. 3). همچنین، طبق اصل 156 قانون اساسی، قوه قضائیه به‌عنوان نهادی مستقل از حقوق فردی و اجتماعی حمایت می‌کند، به این معنا که هیچ‌گونه نقض حقوق فردی و اجتماعی نباید بدون واکنش قضائی و جبران باقی بماند. از این‌رو، دیوان عدالت اداری به‌ویژه بر اساس مواد 1، 11، 11 و 21 قانون مربوطه، یکی از سازوکارهایی است که به تحقق حقوق شناخته‌شده کمک می‌کند. بنابراین، با توجه به تأکید قانون اساسی بر حقوق سیاسی شهروندان، انتظار می‌رود دیوان عدالت اداری به انجام وظایف خود در این زمینه اقدام نماید. بررسی عملکرد دیوان عدالت اداری می‌تواند به دو بخش شعب دیوان و هیئت عمومی تقسیم شود. اهمیت بررسی هیئت عمومی از این نظر است که این هیئت با ابطال مصوبات مغایر با قانون اساسی، نه تنها به عملکرد جزئی بخش‌های مختلف دولت می‌پردازد، بلکه مصوباتی را نیز شامل می‌شود که ممکن است به حقوق شهروندان آسیب برساند. تحلیل مصوبات هیئت عمومی و آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد که این نهاد به برخی جنبه‌های حقوق مدنی و سیاسی مندرج در میثاق اشاره کرده است (شیرزاد، 1395، ص. 172). در عمل، دیوان به عنوان مرجع تظلم در موضوعاتی مرتبط با حقوق میثاق عمل کرده و بر اساس مقررات حقوق اساسی، که میثاق حقوق مدنی و سیاسی را نیز شامل می‌شود، اقدام به صدور حکم نموده است. بررسی برخی آراء صادره بیانگر این است که دیوان قادر

هستند (غائبی، 7831، ص. 81). به عنوان مثال:

- کمیسیون حقوق بشر: به دلیل عدم مصوبه مجلس برای ایجاد آن.

- کمیسیون اصل نود: به دلیل عدم تنوع در ترکیب اعضا.

- سازمان بازرسی کل کشور: به دلیل دولتی بودن تمام اعضا و عدم تنوع در تصمیم‌گیرندگان.

- انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان: به دلیل عدم ضمانت اجرایی برای مصوبات.

- ستاد حقوق بشر: به دلیل ترکیب کاملاً دولتی و اقتضایی بودن صلاحیت تأسیس آن.

- ستاد امر به معروف و نهی از منکر: به دلیل دولتی بودن اعضا که حق رأی دارند.

این نهادها نتوانسته‌اند خلأ عدم وجود نهاد ملی حقوق بشر را پر کنند. بنابراین، ضروری است که با در نظر گرفتن اصول حاکم بر تشکیل نهاد ملی حقوق بشر، اقدام به ایجاد این نهاد به عنوان یکی از سازوکارهای مؤثر در تضمین حقوق سیاسی شهروندان در سطح ملی شود. دولت دوازدهم جمهوری اسلامی نیز به موضوع نهاد ملی حقوق بشر پرداخته و از اندیشمندان خواسته است تا پیشنهادات اصلاحی ارائه کنند. با این حال، به دلیل عدم تصویب نهایی لایحه در هیئت دولت در زمان نگارش این تحقیق، نمی‌توان از آن به عنوان یک ساختار موجود نام برد. نقطه نظرات مربوط به این موضوع در قسمت بعدی بررسی خواهد شد. با توجه به سابقه، ضرورت و تجربیات سایر کشورها در راه‌اندازی نهاد ملی حقوق بشر، منطقی است که مقدمات این موضوع فراهم شود و مسیر ایجاد آن طی شود. با در نظر گرفتن جایگاه و فلسفه قوه قضائیه در نظام حقوقی ایران و امکان تعریف ماهیت حقوق سیاسی شهروندان تحت حقوق عامه، پیشنهاد و ابتکار برای تأسیس این نهاد باید توسط قوه قضائیه

کار گیرند. در این راستا، برای بومی‌سازی این نهاد در کشور ما، می‌توان نهاد ملی را به عنوان نهاد ناظر بر حقوق بشر و مطالبات مردم از دولت و همچنین مشابه با نهاد متولی امر به معروف و نهی از منکر دولت از سوی مردم در نظر گرفت. بنابراین، این سازوکار می‌تواند از منظر اصل هشتم قانون اساسی نیز توجیه‌پذیر باشد. در مورد فواید نهادهای ملی در تضمین حقوق شهروندی، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی بر این باورند که با وجود یک دستگاه قضائی مستقل و نظام دموکراتیک، نیازی به نهاد ملی نیست (نیاورانی و پیرزاده، 1395، ص. 232). اما نظر دیگری، از جمله دیدگاه سازمان ملل، بر این است که وجود یک نهاد مستقل که از فعالیت‌های اجرایی و حکومتی دور باشد، می‌تواند نقش رهبری در زمینه حقوق بشر ایفا کند و به حمایت و توسعه حقوق بشر کمک کند. در حال حاضر، دیدگاه دوم بیشتر مورد توجه است و این نهادها در کشورهای مختلف نام‌های متفاوتی دارند: «یوآن» در چین، «لوکایوکتا» در هند، «وفاقی محتسب» در پاکستان، «مدافع حقوق مردم» در آمریکای لاتین، و «المحقق فی الشکاو» در برخی کشورهای عربی، به عنوان مثال. در انگلستان به جای آمبودزمان از واژه کمیسر استفاده می‌شود. بنابراین، در بسیاری از کشورها علاوه بر ساختار قضائی رسمی، نهاد ملی نیز به حقوق سیاسی شهروندان توجه دارد (kuyunch, 2008, P. 703). یکی دیگر از دلایل ضرورت ایجاد نهاد ملی در تضمین حقوق شهروندی این است که یکی از توصیه‌های معمول به کشورهایی که پرونده‌هایشان در بررسی‌های دوره‌ای شورای حقوق بشر قرار دارد، ایجاد نهاد ملی حقوق بشر است. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای متعهد به ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در گزارش‌های دوره‌ای خود است. این کشور در سال 2010 توصیه لهستان را پذیرفت و باید در سال 2014 گزارشی درباره میزان تحقق این امر ارائه می‌داد. با این حال، تا کنون این نهاد ایجاد نشده است. نهادهای موجود در نظام حقوقی ایران که به عنوان نهاد ملی حقوق بشر مطرح شده‌اند، هر یک از جهاتی با اصول اعلامیه پاریس در تضاد

تهیه کند (طلابکی، طرقي، 6931، صص 36-31). با این حال، از آنجا که لایحه قضائی در هیئت دولت بررسی می‌شود، قوه مجریه می‌تواند نظرات خود را به قوه قضائیه منتقل کند و با همکاری یکدیگر، کار را پیش ببرند. اما ابتکار و پیشنهاد تشکیل چنین نهادی باید از قوه قضائیه به مجلس برای مراحل تصویب ارائه شود.

2-3. تشکیل دیوان عالی حقوق شهروندی در تشکیلات قوه قضائیه

ایجاد تغییرات لازم در ساختار قوه قضائیه با رویکرد رسیدگی تخصصی به نقض حقوق شهروندی، که شامل حقوق عمومی و سیاسی شهروندان می‌شود، امری ضروری است. برخی از دلایل این ضرورت به شرح زیر است:

اولاً، بند ۳ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌کند که برای حمایت مؤثر از حقوق مندرج در میثاق، دولت‌ها باید تضمین کنند که افراد از جبران خسارت‌های مؤثر، قابل اجرا و در دسترس برای استیفای حقوق خود برخوردار باشند. ایجاد سازوکارهای قضائی مناسب از سوی دولت‌ها برای بررسی شکایات نقض حقوق بشر در حقوق داخلی، اهمیت زیادی برای کمیته حقوق بشر دارد و فقدان چنین سازوکارهایی در نظام حقوقی ایران، مانع تضمین مؤثر حقوق سیاسی شهروندان می‌شود. (نقره کار، 1388، ص 22).

ثانیاً، در بسیاری از قوانین موجود، ضرورت رسیدگی قضائی و ارجاع به قوه قضائیه پیش‌بینی شده است؛ مانند تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون حمایت از آمران به معروف. از آنجا که قوه قضائیه مرجع عمومی تظلم‌خواهی مردم است، به نظر می‌رسد لازم است بخشی از این قوه به طور اختصاصی به موضوع حقوق شهروندی بپردازد. این موضوع می‌تواند تحت عنوان «دیوان عالی حقوق شهروندی» در ساختار قوه قضائیه قرار گیرد و رسیدگی به انواع حقوق شهروندی، از جمله حقوق سیاسی، را شامل

صورت گیرد (غائبی، 1387، ص 293). طبق نظریه تفسیری شورای نگهبان، اولاً، محتوی لوایح قضائی در فصل یازدهم قانون اساسی، به‌ویژه اصول 171، 175 و 173 و موضوعات مرتبط با آن‌ها مشخص شده است؛ ثانیاً، هیئت دولت نمی‌تواند به‌طور مستقل لایحه قضائی تنظیم کرده و آن را برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارسال کند؛ ثالثاً، در لوایح قضائی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارائه می‌شود، هر گونه تغییر مرتبط با امور قضائی تنها با موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز است. به نظر می‌رسد نظریه شورای نگهبان با اصول و تحلیل‌های حقوق اساسی هم‌خوانی دارد، زیرا طبق اصل 156، قوه قضائیه نهادی مستقل است که مسئول حمایت از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت است و وظایفی از جمله احیای حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع را بر عهده دارد (موسی زاده، 1931، ص 72).. در تعریف حقوق عامه، این حقوق شامل تمامی حقوق فردی و اجتماعی ملت است که عمدتاً در قانون اساسی کشورهای مختلف مشخص می‌شود. حقوق عامه در اصول مختلف قانون اساسی، به‌ویژه اصل 3 و اصول 91 تا 34 تحت عنوان حقوق ملت به‌صورت تمثیلی بیان شده است و مصادیق آن شامل حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و قضائی است. همچنین، حقوق شهروندی رابطه نزدیکی با حقوق عامه دارد و این دو به‌طور متقابل مرتبط هستند. بنابراین می‌توان گفت که احیای حقوق عامه برابر با احیای حقوق شهروندی است که به گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع می‌انجامد. وظیفه نهادهای ملی حقوق بشر نیز بر اساس اصول اعلامیه پاریس، حمایت و ارتقاء حقوق شهروندی در کشورهاست (طلابکی طرقي، 1396، ص 176). از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد نهاد ملی حقوق بشر یکی از راه‌های احیای حقوق شهروندی است که بر اساس اصل 171 بر عهده قوه قضائیه قرار دارد. همچنین، به دلیل اینکه برخی از وظایف نهاد ملی شبه قضائی هستند، ایجاد آن تنها از طریق لایحه و در چارچوب اختیارات قوه قضائیه ممکن است و دولت نمی‌تواند به‌طور مستقل لایحه‌ای در این زمینه

شود.

می‌توان گفت که این مرجع باید به‌عنوان محل نظلم‌خواهی شهروندانی عمل کند که در فرآیندهای موجود نتوانسته‌اند به‌درستی حقوق سیاسی خود را احقاق کنند. همچنین، این دیوان باید به موضوعات حقوق سیاسی شهروندان رسیدگی فرجامی داشته باشد و در مواردی که عناوین مجرمانه رایج نیست، رسیدگی اولیه انجام دهد. علاوه بر این، موضوعات مربوط به حقوق عامه، میثاق‌های حقوق شهروندی و معاهدات بین‌المللی که ایران به آن‌ها پیوسته نیز می‌تواند در این چارچوب پیگیری شود (طلاکی طرقي، 6931، ص. 73).

برخی مواردی که در این زمینه قابل ذکر است عبارتند از:

- رسیدگی نهایی به شکایات مرتبط با انتخابات که از طریق محاکم عمومی و شعب تخصصی مقرر در ماده 71 قانون انتخابات مجلس و شوراها نتوانسته‌اند به نتیجه برسند یا در فرایند رسیدگی به این شکایات اختلالی وجود داشته باشد. این موضوع مشابه اقداماتی است که دیوان عالی در مورد برخی احکام خاص مانند قصاص نفس انجام می‌دهد.

- بررسی شکایات مربوط به عدم تأیید برگزاری راهپیمایی یا تجمع توسط کمیسیون مربوطه در وزارت کشور.

- رسیدگی به شکایات ناشی از لغو غیرقانونی مجوز یک حزب یا عدم موافقت با تشکیل یک حزب، که به دلایل مشخصی صورت می‌گیرد.

- بررسی شکایاتی که به تخلفاتی مربوط می‌شود که به دلیل عدم تأثیرگذاری در نتیجه انتخابات، توسط شورای نگهبان بررسی نشده و پیگیری آن‌ها پس از تأیید روند انتخابات متوقف شده است.

- رسیدگی به موضوعات مربوط به حقوق شهروندی که در کنوانسیون‌های الحاقی ایران مطرح شده، اما در

ثالثاً، همان‌طور که در بخش مربوط به نهاد ملی حقوق شهروندی توضیح داده شد، طبق اصول اعلامیه پاریس، نهادهای ملی حقوق بشر علاوه بر داشتن صلاحیت مشورتی و تهیه گزارش یا پیشنهاد اصلاح قوانین به بخش‌های مختلف دولت، دارای اختیارات شبه‌قضائی نیز هستند. این اختیارات شامل استماع و بررسی شکایات و ارجاع آن‌ها به مقام‌های صالح می‌باشد. این مقام صالح می‌تواند دیوان عالی حقوق شهروندی باشد، به‌ویژه در مواردی که شکایت مربوط به حقوق شهروندی غیرقضائی و سیاسی است. چرا که رسیدگی به حقوق شهروندی قضائی در برخی از سازوکارهای موجود تا حد زیادی مورد حمایت قرار گرفته، اما حمایت از دیگر انواع حقوق شهروندی نیاز به تقویت بیشتری دارد (نقره کار، 1388، ص. 25).

رابعاً، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ماده 66 به سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان اشخاص حقوقی ذی‌صلاح برای طرح دعاوی و پیگیری آن‌ها اشاره کرده است. با توجه به اینکه بسیاری از این سازمان‌ها در زمینه حقوق شهروندی فعالیت می‌کنند و موضوعات تحت پوشش آن‌ها لزوماً به مسائل کیفری محدود نمی‌شود، می‌توانند در دیوان عالی به عنوان مطلعین یا کارشناسان حقوق شهروندی عمل کنند. همچنین، این سازمان‌ها که در کنار احزاب سیاسی به مسائل مربوط به حقوق سیاسی می‌پردازند، می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای برای دستیابی به اهداف خود در دیوان عالی حقوق شهروندی عمل کنند. خامساً، آخرین نکته این است که در ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع دادرسی شهروندی اشاره شده که هنوز تشکیل نشده است. با تأسیس دیوان عالی حقوق بشر و شهروندی، این دادسرا می‌تواند به‌طور تخصصی فعالیت خود را آغاز کند و به وظایف خود در حمایت از حقوق سیاسی شهروندان بپردازد. در مورد صلاحیت‌های رسیدگی دیوان عالی حقوق شهروندی،

قوانین داخلی کشور به آن‌ها توجهی نشده است.

- بررسی شکایاتی که درباره نقض حقوق بشر در قوه قضائیه مطرح شده و منجر به رسیدگی و جبران خسارت در همان قوه، از طریق سازوکارهای پیش‌بینی شده، نشده است.

علاوه بر پیشنهادات مطرح‌شده در مورد آراء صادره از این دیوان، می‌توان با تدوین و تصویب قانونی خاص در زمینه حقوق شهروندی، به موارد زیر به‌عنوان مجازات‌های پیشنهادی برای ناقضین حقوق شهروندی اشاره کرد:

مواردی مانند محکومیت ناقضین حقوق سیاسی شهروندان به جریمه‌های مالی، یا الزام به عذرخواهی عمومی از افرادی که آسیب دیده‌اند. همچنین، بازگرداندن وضعیت به حالت قبلی در مواردی که فرد یا نهادی با اقدامات خود موجب تضییع حقوق شهروندی شده است، و الزام به صدور مجوز یا تصمیم سیاسی-اداری در مواقعی که اشخاص یا نهادها به‌طور نادرست از انجام وظایف مرتبط با حقوق سیاسی شهروندان خودداری کرده‌اند.

این موارد، مسائلی هستند که در مراحل دوم و سوم تضمین مؤثر حقوق سیاسی شهروندان قرار دارند. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه‌های حمایت از حقوق سیاسی شهروندان، رسیدگی قضائی مؤثر است که در نظرات تفسیری شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز تأکید شده است. با این حال، نظام قضائی فعلی ما با خلأهای ساختاری و قانونی مواجه است که باید برطرف شوند.

نتیجه‌گیری

حقوق سیاسی شهروندان در قانون اساسی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در فصل مربوط به حقوق ملت و سایر اصول قانونی برای آن‌ها پیش‌بینی شده است. ذکر

انواع حقوق سیاسی برای شهروندان در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی (مانند سیاست‌های کلی نظام یا قوانین مهم دیگر) به منظور تحقق و عینی‌سازی این حقوق ضروری است. صرفاً شناسایی و تدوین حقوق سیاسی کافی نیست و باید با عوامل عملی تضمین شود. اصولاً، موضوع تضمین مؤثر حقوق شهروندی در اسناد بین‌المللی، به‌ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مورد تأکید قرار گرفته است و شورای حقوق بشر نیز به این نکته اشاره کرده است. در تفسیرهای این شورا، تضمین قضائی به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی تحقق حقوق و نشانه‌ای از اراده واقعی و احترام دولت‌ها به حقوق سیاسی شهروندان مطرح شده است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت‌های متعددی برای تحقق حقوق سیاسی شهروندان وجود دارد. با این حال، از آنجا که احیای حقوق عمومی بر عهده قوه قضائیه است و این حقوق شامل حقوق سیاسی شهروندان نیز می‌شود، بنابراین، تحقق این حقوق به‌طور خاص بر عهده این قوه با اولویت بیشتر نسبت به سایر قوا و نهادها می‌باشد. با توجه به موارد فوق، تشکیل نهاد ملی حقوق شهروندی و دیوان عالی حقوق شهروندی، راه‌حلی سازگار با قوانین عادی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. این اقدام می‌تواند به فعال‌سازی بسیاری از ظرفیت‌های بلااستفاده در قوانین مربوط به حقوق شهروندی (مانند قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر یا قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان) کمک کند که رسیدگی به آن‌ها به قوه قضائیه واگذار شده است. برای تحقق کامل حقوق سیاسی شهروندان، لازم است قوه قضائیه به‌طور فعال و با ساختاری تخصصی و حتی اختصاصی وارد عمل شود؛ در غیر این صورت، اصلاح ساختارهای قضائی موجود، به‌طور قطع با چالش‌های جدی و خلأهای مهمی مواجه خواهد بود.

یادداشتها

1. سایت پژوهشگاه قوه قضائیه در این نشانی قابل

Principles relating to the Status of National
Institution 4

دسترس می باشد: www.j.ijri.ir

upr: Universal Periodic Review 5

Report of the Working Group on the
Universal Periodic Review of Islamic

Republic of Iran": A/HRC/14/12

7. نظریه تفسیری 03/7/9731-5601 شورای نگهبان.

8. تبصره 3- هرگاه مسئولان ذی ربط با تشخیص مراجع قضائی بدون عذر موجه از صدور مجوز موضوع تبصره هائی (1) [صدور مجوز توسط وزارت کشور برای سازمان های مردم نهاد با موضوع امر به معروف و نهی از منکر] و (2) [صدور مجوز برای راهپیمایی یا تجمع با موضوع امر به معروف و نهی از منکر] استتکاف نمایند؛ مستوجب مجازات موضوع ماده 570 (قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات) ای بازدارنده مصوب

2/3/5731) م پباشند.

9. مانند آنچه در قانون حمایت از آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و یا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 2931 (مواد 552 الی 261) بیان شده است.

10. ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری: «سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، م ی توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.»

11. ماده 52 قانون آیین دادرسی کیفری

2. بررسی برخی از آراء هیئت عمومی دیوان حکایت از آن دارد که این هیئت در خصوص برخی از حقوق مدنی مصرح در میثاق حقوق مدنی - سیاسی اقداماتی را انجام داده است.

مانند آنچه در خصوص ممنوعیت سلول انفرادی و شکنجه (موضوع ماده 461 آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها که به موجب ر آئی شماره 534-82/01/2831 این هیئت ابطال گردید) و یا تساوی حقوق زن و مرد در حقوق مربوط به ثبت احوال (موضوع بخشنامه 41/01/0731-0234 ثبت احوال کشور در خصوص محدود نمودن عدم درج ازدواج و طلاق غیرمدخوله در شناسنامه به زوج که به موجب دادنامه 01/6/1831-381 این هیئت ابطال گردید) و حمایت از حریم خصوصی (موضوع بخش نامه 204/971/1 م ورخ 11/4/9731 اداره کل قوانین و امور حقوقی نیروی انتظامی که اجازه موردي براي تفتيش خودرو را در جرائم غيرمشهود با جواز کلی مقام قضایی مجاز شمرده بود که به موجب دادنامه 82/5/0831-771 این هیئت ابطال گردیده است.) تحقق یافته است. اما در خصوص موارد مربوط به حقوق سیاسی (تحرز و تشکل، تجمع و تعیین سرنوشت) نمی توان سراغ از اقدام خاصی از این هیئت را گرفت.

3. در شعب دیوان نیز مواردی که بتوان در خصوص برخی حقوق مصرح در کنوانسیون اشاره نمود وجود دارد. از جمله حمایت از تساوی حقوق بین زن و مرد موضوع ماده 3 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی که در دادنامه شماره 7/3/89-472 شعبه 48 دیوان عدالت اداری (باموضوع صدور گواهی نامه برای زنان) مورد اشاره قرار گرفته است اما در خصوص حقوق سیاسی در شعب نیز به موضوع حقوق سیاسی شهروندان کمتر توجه شده است.

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب . 1378
. آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و
تربیتی کشور مصوب . 26/4/1380
. اصلانی، فیروز و پروین، خیراله 1391 اصول و مبانی
حقوق اساسی. تهران: انتشارات
دانشگاه تهران.

انصاری، باقر چرایی و چگونگی نهاد ملی حقوق
بشر و شهروندی از منظر

حقوقی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. 1397.

. جنگجو، فرزاد 1396 تضمینات حقوق و آزادیهای فردی
در قوانین موضوعه ایران. تهران: انتشارات استاد
شهریار.

. جوزف، سارا و شولتز، جنی 1395 میثاق بین المللی
حقوق مدنی و سیاسی سیدقاسم زمانی، مترجم.
تهران: انتشارات شهر دانش.

. آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری، شماره دادنامه
کلاس پرونده 301/18_117

2/4/1381. تضمین میثاق در شهروندان سیاسی

. آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری، شماره
دادنامه 28/10/1382-435 کلاس پرونده

. 81/38

. آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری، شماره
دادنامه 10/6/1381-183 کلاس پرونده

. 405/77

. آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری، شماره
دادنامه 28/5/1380-177 کلاس پرونده

. 301/18

مصوب 2931: به تشخیص رئیس قوه قضائیه
، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرایم کارکنان
دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و
دارویی، رایانه ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر
دادسرای شهرستان تشکیل م میشود.

12. ماده 17 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی
مصوب 8731 «محاكم صالحه قضائی موظف اند به
تخلفات و جرایم انتخابات به صورت فوق العاده و خارج از
نوبت رسیدگی نمایند.

13. مانند آنچه در ماده 51 قانون احترام به آزادی های
مشروع و حفظ حقوق شهروندی بیان شده است: «رئیس
قوه قضائیه موظف است هیئتی را به منظور نظارت و
حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاہهایی
که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با
این هیئت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیئت
وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر
مساعی در اصلاح روش ها و انطباق آنها با مقررات، با
متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و
نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش
نماید.

منابع

. قرآن کریم. . قانون حمایت از آمران به معروف و
ناهیان از منکر.

. قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و
تولیدکنندگان. . قانون آیین دادرسی کیفری مصوب . 1392

. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 و اصلاحات
سال 1394.

اجرای تعهدات بین‌المللی ایران به موجب میثاق حقوق مدنی و سیاسی. «نشریه تحقیقات حقوقی

، (227-252) ، 73

kirby. M. (1993) "The Australian Use of International Human Rights Norms: A view from the Antipodes", University of New South Wales Law Journal 363

koyuncu, Adem (2008). "human rights and.. public health". Encyclopedia of Public Health, edited by Wilhelm Kirch, Volume

Lindsnaes, Lindholt, Yigen (Eds.) (2001).. National Human Rights

Institutions, Articles and working papers, Input to the discussions of the establishment and development of the functions

. شیرزاد، امید 1395 بررسی جایگاه سیاست‌های کلی نظام در دادرسی اداری. «فصلنامه

سیاست‌های راهبردی و کلان، (14)، تابستان

. طلائی، طرقي، اکبر و عطار، محمد صالح (). « 1396 الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی

حقوق بشر در ایران. «دانشگاه تهران: دو فصلنامه دانش حقوق عمومی 17

. عمید زنجانی، عباسعلی 1390 مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر. تهران: انتشارات مجد.

. غائبی، محمدرضا 1387 نهادهای ملی حقوق بشر. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

. موسی زاده، ابراهیم 1391 آمبودزمان و نهادهای مشابه در نظام حقوقی ایران. تهران: دادگستر.

. نقره کار، محمد صالح. الف 1388 مصوبات کمیسیون حقوق و قضائی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص حقوق عامه. تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.

. نقره کار، محمد صالح ب 1388 نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه. تهران: جنگل.

. نیاورانی، صابر و پیرزاده، محمدحسن 1395 نقش دیوان عدالت اداری در ضمانت